

از یمین عرش نازل

یا علی از یومی که لوح معهود که به صبحه و ساعه و صور نامیده شده ارسال گشت مشرکین و منکرین در کمال مکر و تدبیر قیام نموده‌اند اگرچه در ظاهر امری مشهود نه و لکن انّ ربک لهو العلیم الخبیر بکمال جدّ در صدد جمال قدم بوده و هستند در این ایّام هر روز حادثه جدیدی در این ارض حادث و نفسی الحقّ ابدأ حزنی از این امورات و آنچه از قبل وارد شد و از بعد وارد شود نبوده و نخواهد بود بفرحی جمال قدم بر عرش اعظم مستقرّ که اگر نفعه‌ئی از آن بر اهل ارض مرور نماید جمیع از شوق و فرح و سرور هلاک شوند و لکن حزن از آن است که عباد ضعیفند و حقّ نظر بتلطّف و مهربانی در بحر بلایا و محن ایشان را بمقرّ اقصی دعوت میفرماید و آن نفوس محتجبه شاعر نه ای علی کمال مجاهده مبذول دارید و بیت امر را از سارقین حفظ نمائید ملاحظه در بیت ظاهر کن که اگر حفاظ آن را نوم غلبه نماید البتّه سارقین داخل شوند و وارد گردند و لکن اگر حفاظ بحراست و حفظ خود مشغول ابدأ دست نیابند حال بر مخلصین از احبّای الهی لازم است که کمال سعی را معمول دارند و امر الهی و بیت او را از سارقین حفظ نمایند قل کونوا قائمین لدی الباب ثمّ اطرّدوا الشیاطین بشهاب ذکر اسمی العزیز المنیع مرّة اخری به علی قبل اکبر نازل

بعضی از ناس از بعضی مخصوص ساحت اقدس زخارف طلب نموده و مینمایند و این بغایت از شطر عدل و انصاف بعید است از اوّل ظهور تا حین ابدأ بنفسی در چنین امور اظهار نرفته مقدّس است ذیل امر از این اذکار تا چه رسد بفعل آن بر کل لازم است که بعضی از عباد را نصیحت نمایند و من قبل الله اظهار دارند منادی احدیّه از شطر الوهیّه ندا میفرماید ای احبّای ذیل مقدّس را بطین دنیا میالائید و به ما اراد النفس و الهوی تکلم مکنید قسم بافتاب افق امر که از سماء سجن بکمال انوار و ضیاء مشهود است مقبلین قبله وجود الیوم باید از غیب و شهود مقدّس و منزّه باشند اگر بتبلیغ مشغول شوند باید بتوجه خالص و کمال انقطاع و استغنا و علوّ همّت و تقدیس فطرت توجه باشطار بنفحات مختار نمایند ینبغی لهؤلاء ان یکون زادهم التوکل علی الله و لباسهم حبّ ربهم العلیّ الأبهی تا کلمات آن نفوس مؤثّر شود نفوسی که الیوم بمشتهیات نفسیه و زخارف دنیای فانیه ناظرند بغایت بعید مشاهده میشوند در اکثر احیان در ساحت رحمن بحسب ظاهر زخارفی نبوده و طائفین حول در عسر عظیم بوده‌اند معذلک ابدأ از مشرق قلم اعلی ذکر دنیا و یا کلمه‌ئی که مدلّ بر آن باشد اشراق نموده و هر نفسی که موفق شد و بساحت اقدس هدیه‌ئی ارسال نمود نظر بفضل قبول شده مع آنکه اگر جمیع اموال ارض را بخواهیم تصرف نمائیم احدی را مجال لم و بم نبوده و نخواهد بود هیچ فعلی اقیح از این فعل نبوده و نیست که باسم حقّ مابین ناس تکدی شود بر آن جناب و اصحاب حقّ لازم که ناس را بتزیه اکبر و تقدیس اعظم دعوت نمایند تا رایحه قمیص ابهی از احبّای او استشاق شود و لکن باید اولو الغنی بقفرا ناظر باشند چه که شأن صابرن از فقرا عندالله عظیم بوده و عمری لا یعادله شأن الا ما شاء الله طوبی لفقییر صبر و ستر و لغنی انفق و اثر انشاءالله باید فقرا همّت نمایند و بکسب مشغول شوند و این امری است که بر هر نفسی در این ظهور اعظم فرض شده و از اعمال حسنه عندالله محسوب و هر نفسی عامل شود البتّه اعانت غیبیه شامل او خواهد شد آنه یعنی من یشاء بفضلله انه علی کلّ شیء قدیر

و همچنین در حفظ نفوس و تربیت اهل ملت و مملکت از مشرق مشیت رحمانی کلماتی مشرق که فواید آن شامل جمیع من علی الارض خواهد شد لو یسمعون ما نزل من سماء الامر حال مصلحت نبود که ارسال شود در سماء مشیت معلق تا کی اراده الهیه تعلق گیرد و ارسال شود الامر بیده بسیار در تربیت نفوس جهد نمائید این از اهمّ امور بوده و خواهد بود و البهآ علیک یا من نسّمع ندائک فی ذکر ربک المقدر العزیز المختار

ای علی بگو باحبابی الهی که اول انسانیت انصاف است و جمیع امور منوط بان قدری تفکر در رزایا و بلائی این مسجون نمائید که تمام عمر در ید اعدا بوده و هر یوم در سیل محبت الهی مبتلا تا آنکه امر الله مابین عباد مرتفع شد حال اگر نفسی سبب شود و باو هام خود در تفریق ناس سرّاً او جهراً مشغول گردد او از اهل انصاف است لا ونفسه المهيمنة علی العالمین لعمری ینوح قلبی و یدمع عینی لأمر الله و للذین یقولون ما لا یفقهون و یتوهّمون فی انفسهم ما لا یشعرون الیوم لایق آنکه کل باسم اعظم متشبّث شوند نیست مهرب و مفرّی جز او و ناس را متحد نمایند اگر نفسی در اعلی علو مقام قائم باشد و از او کلماتی ظاهر شود که سبب تفریق ناس گردد از شاطی بحر اعظم و علّت توجه بشری جز مقام محمود مشهود که ظاهر است بحدود بشریّه جهاتیّه یشهد کلّ الأکوان بأنّه محروم من نفحات الرّحمن قل ان انصفوا یا اولی الألباب من لا انصاف له لا انسانیّه له حقّ عالم است بکلّ نفوس و ما عندهم حلم حقّ سبب تجرّی نفوس شده چه که هتک استار قبل از میقات نمیفرمایند و نظر بسبقت رحمت ظهورات غضبیّه منع شده لذا اکثری از ناس آنچه سرّاً مرتکبند حقّ را از آن غافل دانسته اند لا ونفسه العلیم الخبیر کل در مرآت علمیه مشهود و مبرهن و واضح قل لک الحمد یا ستار عیوب الضّعفاء و لک الحمد یا غفّار ذنوب الغفلاء ناس را از موهوم منع نمودیم که بساطان معلوم و ما یظهر من عنده عارف شوند حال بظنون و او هام خود مبتلا مشاهده میشوند لعمری انهم هم الموهوم و لا یشعرون و ما یتکلّمون انه هو الموهوم و لا یفقهون نسأل الله ان یوفّق الكلّ و یرقّهم نفسه و انفسهم لعمری من فاز بعرفانه یطیر فی هواء حبه و ینقطع عن العالمین و لا یلتفت الی من علی الأرض کلّها و کیف الذین یتکلّمون بأهوائهم ما لا اذن الله لهم

بگو الیوم یوم اصغا است بشنوید ندای مظلوم را باسم حقّ ناطق باشید و بطراز ذکرش مزین و بانوار حبّش مستنیر اینست مفتاح قلوب و صیقل وجود و الذی غفل عمّا جرى من اصبع الارادة انه فی غفلة مبین صلاح و سداد شرط ایمان است نه اختلاف و فساد بلّغ ما امرت به من لدن صادق امین انما البهَاء علیک یا ایّها الذّاکر باسمی و الناظر الی شطری و الناظر بثناء ربّک الجمیل